

ما مثلاً شاهد طنزهایی در مورد یک نماینده مجلس یا به طور کلی در مورد اشخاصی که پست‌های سیاسی داشتند بودیم. در سینمای بعد از انقلاب چنین طنزهایی را زیاد دیده‌ایم. ولی «جناب‌عالی» به‌نظم یک گام به این سمت است که طنزی مستقیماً در مورد سیستم دولتی و وزار تخانه‌ای داشته باشیم و روایتی را به چالش بکشیم. یاد نمی‌آید چنین کاری را دیده باشیم. «جناب‌عالی» اصلاً در مورد شخصی نبود بلکه — بر اساس نگاه مردم — نگاهی کاملاً انتقادی به ساختار اداری بود. تأکید من این بود که اگر این کار از تلویزیون پخش شود، اتفاق جذابی می‌افتد که بدون تبلیغ یا کوپیدن هیچ کدام از جناح‌های سیاسی، کاری تولید کنیم که شاید در پنجره دید اولیه‌اش سیاسی باشد ولی هدف من سازنده پرداختن به آن سیستم از نگاه مردم بوده است. در نهایت هم دیدید که مشکل به وجود آمد و جلوی پخش سریال را گرفتند.

در سینما و تلویزیون جهان، نمونه‌های زیادی از کمدی‌های سیاسی را شاهد بوده‌ایم. یک سری از این کمدی‌ها ممکن است حزبی یا جناحی باشند و تعدادی هم کلی. می‌خواستیم بدانیم، چه در مرحله نگارش فیلمنامه و چه در اجرا، به جز «بله آقای وزیر» به‌عنوان منبع الهام اولیه (که البته تأکید کردید که سعی در فاصله گرفتن از آن داشتید) نمونه یا نمونه‌های دیگری بود که از آن‌ها الهام بگیرید؟

وقتی «بله آقای وزیر» به من پیشنهاد شد، همان‌طور که گفتم اصلاً به سمت دیدنش نرفتم. به هیچ‌عنوان این را مد نظر قرار ندم که از فیلم یا سریالی الهام بگیرم. اتفاقاً طبق همان حال خود من، شاید از نظر حس و حال و حتی شاید فرم کار، نگاهم به خود جامعه یا سینمای ایران بود. ولی واقعاً این بحث که بخواهم بر اساس اثر دیگری جلو بروم در کار نبود. شما اگر سریال «جناب‌عالی» را با «بله آقای وزیر» مقایسه کنید می‌بینید ربطی به هم ندارند. شاید هر دو در مورد یک وزیر باشند ولی سعی کردیم چالش‌ها، و خط قصه و روایت را از زیر چتر آن سریال خارج کنیم.

این که گفتید ابتدا این سریال را برای یک پلتفرم در نظر گرفته بودید تا حدی پاسخ این سؤال را می‌دهد. اما شاید یکی از جنبه‌هایی که «جناب‌عالی» را از سریال‌های تلویزیونی متمایز می‌کند این است که در کمدی‌های تلویزیونی معمولاً سطح کشمکش‌ها محدود به روابط خانوادگی یا دوستانه است. یعنی اگر بحث مسائل عمومی یا مسائل سیاسی هم وجود داشته باشد، به‌خاطر محدودیت‌ها یا به هر دلیل

نطفه این سریال چگونه شکل گرفت؟ از یک ایده بود یا از یک موقعیت، شخصیت یا مضمون؟

در مورد «جناب‌عالی»، ابتدا از سمت تهیه‌کننده (آقای مصطفی رضوانی) با من تماسی گرفته شد. او به من گفت قرار است سریالی بر اساس یک سریال قدیمی انگلیسی با عنوان «بله آقای وزیر» درست کنیم. دو قسمت از فیلمنامه نوشته خانم خسرونجدی و آقای حامد افضلی را برای من فرستادند. آن دو قسمت درست بر اساس سریال «بله آقای وزیر» نوشته شده بود. راستش آن فیلمنامه چندان با سلیقه شخصی من در طنز تطبیق نداشت. در پاسخ گفتم به‌نظم نباید سریال خود را بر اساس یک سریال دیگر بسازیم بلکه باید از زیر چتر آن سریال خارج شویم. بنابراین از همان ابتدا گفتم باید این کمدی بر اساس سلیقه خودم و در ضمن بدون هر گونه جناح‌بندی سیاسی باشد. یعنی نه تبلیغ جناح سیاسی خاصی را داشته باشیم و نه در جهت کوپیدن یک جناح سیاسی حرکت کنیم بلکه سریال ما فقط برای مردم باشد. یعنی بتوانیم از طریق کار خود حرف مردم را بزنیم. پیشنهادم این بود که خودم وارد مرحله نگارش شوم. گفتم حتی آن سریال را نگاه هم نمی‌کنم و اصلاً نمی‌خواهم بر اساس آن سریال جلو بروم. در جلسهای که با تهیه‌کننده و خسرونجدی داشتیم پیشنهادهایی دادم برای این که از زیر چتر آن سریال انگلیسی بیرون بیاییم. خوشبختانه با آن پیشنهادها موافقت شد و همراه با خانم خسرونجدی وارد مرحله نگارش فیلمنامه شدم. در این مسیر سعی کردم بر اساس نگاه خودم و بر اساس مشکلات مردم و حال جامعه آن به‌سمت این سریال بیایم، نه برای بیان یک کار سیاسی. همکاری با خانم خسرونجدی همکاری درخشانی بود.

این ایده از ابتدا برای تلویزیون در نظر گرفته شده بود؟

نه. قرار بر این بود که حوزه هنری برای پلتفرم خودش به‌نام «فیلم‌گردی» این کار را تولید کند. بعد از آن خود پیشنهاد دادم که اگر این کار در ایام عید از تلویزیون پخش شود می‌تواند حرکتی روبه‌جلو در راه بیان یک نگاه تازه در طنز تلویزیونی محسوب شود. تهیه‌کننده و دیگران از این پیشنهاد استقبال کردند و با تلویزیون وارد مذاکره شدند.

پس از لحظه آغاز کار برای تلویزیون در نظر گرفته نشده بود. چون برای من این سؤال پیش آمده بود که در سینمای ایران شاید نمونه‌هایی از کمدی سیاسی داشته باشیم ولی در تلویزیون ایران نمونه‌هایی به این شکل خیلی کمیاب است. بنابراین برایم جالب بود که چنین ایده‌ای را برای تلویزیون در نظر گرفته بودید. البته باید نکته‌ای را بگویم. در سینما هم

سید آریا قهریزی:



عادل تبریزی، پیش از این که به‌عنوان کارگردان سینما شناخته

شود، حساسی خودش را برای رسیدن به این جایگاه آماده کرده بود. او علاوه بر ساخت چند فیلم کوتاه، سابقه دستکاری چند فیلمساز شناخته شده (از مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی گرفته تا رسول صدرعاملی، حمید نعمت‌الله، رضا درمیشیان و...) را در کارنامه‌اش ثبت کرده است. این تجربه به او کمک کرد تا در اولین ساخته‌اش فیلمی در قواره بخش حرفه‌ای سینمای ایران بسازد. «گیج‌گاه» با بازی چهره‌هایی چون جمشید هاشم‌پور، حامد بهداد و باران کوثری در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و توانست نظر مثبت گروهی از منتقدان را هم به خود جلب کند. پس از آن، در یک چرخش قابل توجه، تبریزی به ساخت یک مجموعه تلویزیونی روی آورد. «جناب‌عالی» ابتدا قرار بود به‌عنوان سریال نوروزی شبکه نسیم روی آنتن رود اما چند روز قبل از آغاز نمایش اعلام شد که این سریال امکان پخش از تلویزیون را ندارد. درحالی که حتی احتمال پایگانی شدن «جناب‌عالی» هم وجود داشت، این مجموعه در نهایت از طریق تلویزیون پلاس پخش شد تا به اولین مجموعه اختصاصی این پلتفرم مرتبط با صداوسیما تبدیل شود. هر چند تبریزی — همان‌طور که در این گفت‌وگو هم اشاره کرده — تلاش کرد تا «جناب‌عالی» به هیچ‌کدام از جناح‌های سیاسی نزدیک نشود و یک مجموعه کاملاً مردمی باشد، اما خلاصه داستان فیلم — ماجرای جوانی متعهد و صادق که به سمت سرپرستی وزارت تازه‌یاگرفته «هماهنگی» منسوب و در آن‌جا با مجموعه‌ای از زدوبندها و پارتی‌بازی‌ها روبه‌رو می‌شود — می‌تواند نشان دهد که چرا حساسیت‌هایی پیرامون این مجموعه ایجاد شد. تبریزی در این گفت‌وگو از مسیری که به ساخت «جناب‌عالی» انجامید، مشکلاتی که در طول ساخت با آن‌ها روبه‌رو شده، بازخوردهایی که از نمایش «جناب‌عالی» گرفته، حواشی آن و البته مسائلی کلی‌تر همچون وضعیت امروز سینمای ایران و مقایسه‌اش با شرایط سال‌های گذشته گفته است.